

[جلسه دهم قانون عقل ۱]

جلسه دهم از کلاس ثروت ایمان، بانوی لطیف مقتدر، قانون جذاب ناخودآگاه و عقل... با یاری خدا و ائمه معصوم نفس پاک بهترینان جهان شروع میکنیم. سلام حالتون چطوره خیلی عالی

-من چطوری ام؟ ای عالی

عجب به شما که رسید خیلی عالی به من ای عالی....

-مربی جان خوب شما نباید حال خودت را از نظر ما بسنجی.

بله دقیقاً ما نباید برامون مهم باشه که عالی بودن حالمون رو بقیه بفهمند بقیه بدونن.

□ اول حال درونمون رو خوب کنیم برای خالق مون واسه خودمون

خودمون لذت ببریم.

□ دوم حالا عالی بودن حالت رو بقیه ببینند نشون بقیه بده، برای اینکه تبلیغ کننده یک مومن شاد باشی..

-خانم جباری یک قسمت از رنج های بزرگ زندگی ما اینه که بقیه چطوری دارند به ما نگاه می کنند؟

-دقیقاً اصلاً این که در مورد ما چی میگن چرا رو مغز ماست؟

- واقعاً من هنوز بعد چندین سال ۱۵ ۱۶ سال یک حرفی رو وقتی یادم میاد واقعاً زجر میکشم و میسوزم.

این واقعا یک رنجه؟؟؟بله

-میشه از این رنج بیایم بیرون بله چه جوری؟

-با خود مرکز بودن، با تلقین، با کار کردن روی خود. از وقتی اومدیم ثروت ایمان فکر می کنم که خانم جباری لحظه به لحظه شاهد و ناظر کارها مونه جرئت خیلی کارارو رونداریم. پس میشه کار کرد حالا با ثروت ایمان... چه جمله ای رو به خودمون #تلقین بدیم که با تلقین ذهنمون میزانی از رنج حرف دیگران آزاد بشه؟

*به بقیه چه ربطی داره واسه خودشون گفتن

* هرکس اختیار زندگی خودش رو داره

«این دو جمله خیلی خوب هستند اما کلمه کلمه به اونا چه مربوط، این لفظ بی ارزشی در جهان تولید می کنه و این بی ارزشی برمیگرده به خودمون»

- مفهوم جمله خوب بود اما عین کلمات خوب نبود، مفهوم جمله اینه ؛ بقیه را صاحب اثر ندون . بقیه صاحب اثر زندگی من نیستند، این کلمه را استفاده کن ؛ نه اینکه به اونا چه مربوط

الان من ازتون سوال می پرسم حال من چطوریه ؟؟ به ما چه مربوط. یعنی چی ما بالاخره نفهمیدیم هم آدم رو ارزشمند نگاه کنیم و هم اینکه اون رو صاحب اثر ندانیم؟ جواب این سوال را عملی نشون بدیم، از نظر شما من چه آدمی هستم لطافتون کمه به زور باید ازتون حرف بکشیم خیلی تودار ید.

چرا ازدواج نمیکنی؟

الان من این ها رو شنیدم به جای اینکه من خودم را آزاد بدم

□ ۱مرحله ۱ ، اشخاصی که دارند نظراتشون رو میدن رو صاحب اثر ندونم خدا خواست، من این حرف را بشنوم حالا چرا ؟ آگه حرف منطقی بهش فکر کن و آگه نه

قبلا تو با قانون واقعاً فکر می کردی و حرف هایی که داری میشنوی رو با قانون انجام دادی ،مثلا میگن خیلی بی خیال و بی فکری نه تو با قانون این بی خیالی را تولید کردی؛ تازه تلاش کن که قوی ترش هم بکنی

□ ۲قسمت دوم ،با این حرفی که شنیدم به اندازه سر سوزنی حس، به شخصی که داره این حرف رو میزنه پیدا نکنم همون اندازه که قبل آدم رو دوست داشتم همچنان هم همون اندازه این شخص رو دوست داشته باشم، همون اندازه که قبل ،اون آدم را ارزشمند می دیدم الان هم همین اندازه ارزشمند نگاهش کنم

□ ۳سوم اونها رو پیک نامه آور خدا بدونم اون ها برای من یک پیغام می دارند..

اگر ما بتوانیم این طوری نگاه بکنیم که دنیا گلستان می شه دیگه ازکشی کینه به دل نمیگیریم بله دقیقاً. آفرین □ □

استقلال آدم زیاد میشه و تو دید دیگران قوی تر به نظر میایم. عزت آدم زیاد میشه.

□ □ پس به جای این که بگیم به جهنم هرچی که میخواد بگه بگه ؛ بگیم صاحب اثر زندگی ما نیست...

پس چرا رنج زیادی از اطرافیان تحمل می کنیم؟

چون آنها را صاحب اثر زندگی مون میدونیم یعنی چی؟

یعنی فکر می کنیم نفع و ضرر زندگیمون دست دیگرانه ،بله. دقیقاً

. پس میشه اونها رو صاحب اثر ندونیم. بله .

چطوری با تلقین مثلاً یکی از جمله های که می توانید کمک بگیرید ازش ،من سوال می پرسم شما جواب با "نه اصلاً" بدید. دوتا دست هم بزنید. شما درس خوندن بچه تون رو توی نفع و ابروی خودتون صاحب اثر میدونید.

"نه اصلاً"

شما خوش اخلاقی همسرتون رو تو آرامش خودتون صاحب اثر میدونید نه اصلاً شما گفتید منم باور کردم پس تمرین می‌کنیم و همیشه □ همیشه...

من قبلاً ۱۴ ۱۵ سال پیش که حرف می‌شنیدم و خیلی روش فکر میکردم اما الان یه مدتی که کلاس ها رو شرکت کردم بلافاصله حرف ها را دور می‌ریزم و دیدم که همیشه همچین کاری رو کرد دیگران صاحب اثر زندگی من نیستند آفرین یک دست و تشویق .

یا من برای دیگران که کار میکردم به خاطر این بود که دوست داشتم ناراحت نشن اما الان متوجه شدم که به خاطر خدا کار می‌کنم و دیگران صاحب اثر نیستند ...

بریم سراغ دعا چشم ها بسته تمرکز کامل.

بسم الله الرحمن الرحيم

مهربان خدای من ، خالق قدرتمند من با دوستانت گرد هم آمده ایم، تا محبت محبوب غریبت را ، در دلمان زیاد کنیم و جزء آنانی شویم که هر زمان مولای مهربان تر از پدرمان به ما مینگرد، از وجودمان لذت برد الهی ما از تو می خواهیم، جمع مان را یاری دهی با فکر و سخن و عمل مان ، وسیله ای شویم تا دوران انتظار ولیمان به پایان رسد و جزء قدرتمندانی باشیم که در زمان پادشاهی ایشان به او خدمت کنیم آمین چشم ها باز.

خواندن سوره والعصر و جمله

ببینم شما من مریم جباری رو تو رشد تون موثر میدونید؟ نه اصلاً

شما نحوه چیدمان مطالب مثالها؛ اصلاً این مدل ارائه رو توشادی خودتون موثر میدونید؟ نه اصلاً خوب این دروغ نیست؟ خوب ما داریم اثر میگیرم از این مطالب.

کی جواب میده ؟

مریم جباری و این مطالب وچیدمان رو خدا سر راهمون گذاشته ایشون هم نبود خدا شخص دیگری رو داشت. باید صاحب اثر رو آدمها ندونیم.

آفرین یک تشویق .. □

از این تشویق خوشحال شدی

نه اصلاً ..

ماهارو موثر این تشویق نمیدونه؛ خدا رو موثر تشویقی که شد میدونه متشکریم بریم سراغ درس

قانون ناخودآگاه یا ضمیر نیمه آگاه که از غرب وارد کشور ما شده و ما کلی مطلب و کتاب در مورد ضمیر نیمه آگاه می شنویم که به ما آموزش می دهند : قدرت ذهن را چطوری به کار بگیر ، اصلا قسمت نیمه آگاهش ، چطوری کار می کند ؟

به احتمال زیاد ، خیلی از شماها در مورد آن آشنایی دارید ، من خیلی خلاصه بگویم : پشت سر ما ، از قسمت تقریبا جای ابروها تا پایین ، قسمت نیمه آگاه ما یا ضمیر نیمه هوشیار ماست .

کار ناخودآگاه چیه ؟ تمام پیامهایی را که در حافظه ما ضبط شده را بررسی می کند ، هر پیامی که تکرار بر آن خورده ، مثلا : شما در طول روز ۱۰ بار گفته ای خسته ام ، ۱۰ دفعه خسته ام ، ۵۰ بار آمدی بشینی گفتی: وای چقدر پام درد می کند ، ۲۰۰ مرتبه آه کشیدی ، حالا یک ۴ باری هم گفته ای خدایا شکر . ضمیر ناخودآگاه ما تمام تکراری های ما را با همدیگر فایل درست می کند ، آن فایل را در ذهن بزرگ می کند ، هنرش این است . مثلا : شما ۱۰ بار گفته ای همه من را دوست دارند ، یک فایل در مغز برای شما درست شده به اندازه ۱۰ عدد دوست داشتن خودش ، یا برعکس ، اگر ۲۵ بار امروز تکرار کردی : وای هر جا میرویم دنبال خانه پیدا نمی کنیم ، این چه وضعی است ؟ اوضاع قیمتها چقدر اینجوری شده ، این را ذهن شما ، تعداد تکرارها را ، شما ۲۵ بار امروز این جمله را گفته ای ، ناخودآگاه برایت یک فایل جدید درست می کند ، که ۲۵ بار عدد گرانی و تورم در آن ضبط است ، بعد حالا ، اتفاقی که در ناخودآگاه می افتد ، این نیست که فقط فایل باز می کند ، کاش فقط یک فایل جدید برای ما درست می کرد ، نه نه ، کار این فایل قدرت دادن به پیامهای تکراری ماست .

مثلا: شما اگر ۱۰۰ مرتبه می گویی : همه من را دوست دارند ، در ذهن شما ۱۰۰ بار دوست داشتن نیست ، ۱۰ هزار بار ، یک قدرتی بوجود آمده اندازه ۱۰ هزار بار دوست داشتن و موقعی که شما ۱۰۰ مرتبه می گویی تورم ، گرانی ، تورم ، گرانی ... در ذهن قدرتی بوجود می آید اندازه ۱۰۰۰ مرتبه تورم و گرانی .

ناخودآگاه ما می آید هر تکراری را قدرت می دهد ، به اندازه تکرارهای ما بعد این قدرت به ما حکومت می کند ، بعد ما ، از سر این قدرت نمی توانیم به آسانی خلاص شویم .

در قانون جذب : شما ۱ دفعه می گویی بقیه من را دوست دارند ، ۱ بار به تو بر می گردد ، حالا خدا لطف می کند خوبی را ضربدر ۱۰ می کند ، ضربدر ۱۰ بر می گردد ، ولی منفی آن ، شما ۱ بار می گویی گرانی ، ۱ بار برمی گردد در قانون جذب ، اما متأسفانه در ناخودآگاه ، حیرت انگیز است ، بچه ها در قانون ناخودآگاه، تمام تکرارهای ما با همدیگر جمع می شوند، همه تکرارهای ما ، بعد به اندازه تکرارهای ما ضربدر هم می شوند ، اینها یک قدرت عجیب بوجود می آیند ، بعد آن قدرت در دنیا ... مخلوقی که ما خلق کرده ایم ، بعد آن قدرت در دنیا ، شروع می کند کار کردن .

مثلا یک نفر که خیلی تکرار می کند : چقدر جوانم مثل قالی کرمان می مانم ، چه پوست خوبی ، چه سری چه دمی ، عجب پایی ، یک نفر که خیلی این را تکرار می کند ، بعد محصول آن: در ذهنش قدرت

می گیرد ، بعد ایشان ۶۵ سال دارد ، شما نگاه می کنی ، می بینی آره ، واقعا این آدم چقدر خوب مانده ، خانم شما چکار کردی ؟ پروتز کردی ؟ عمل جراحی کردی ؟ چه حرکتی انجام دادی اینقدر خوب ماندی ؟ هیچی ، ایشان از قدرت ناخودآگاهش استفاده کرده است .

مثلا : ۱۵ ، ۲۰ سال پیش ، یکی از برادرهای من خیلی بخشنده بود ، در سن ۱۰ ، ۱۲ سالگی اش ، بابام به او می گفت اینقدر راحت پولت را خرج نکن ، بعد ایشان به بابای من می گفت : بابا چرا فکر می کنی پول درآوردن سخت است ؟ که سخت باید نگه داری ؟ اتفاقا پول درآوردن خیلی راحت است ، هم راحت می شود پول درآورد و هم راحت می شود خرج کرد ، بعد این را می گفت ، از سن ۱۲ سالگی و قبلتر از آن ، خیلی این را تکرار می کرد ، بعد خیلی جالب است ، راهکارهای پول درآوردن را خیلی راحت جهان هستی به او نشان می داد ، الحمدلله الان هم از لحاظ مالی وضعیتش خوب است ، بعد جالب است در اثر تلقین هایی که برادر من می کرد ، الان پدر من هم خیلی راحتتر به پول در آوردن نگاه می کند . این قدرت خیلی وحشتناک است ، خیلی ، اصلا تمام اتفاقات زندگی ما از این قدرت تولید می شود .

بچه ها قانون جذب ، کنترل حرکات در لحظه ، کنترل هر عملی که انجام دادی ، اعمال ما ، منفی هایمان ۱ دانه برمی گردد ، اما در قانون ناخودآگاه ، منفی هایی که تکرار شده در وجود ما ، دیگر نمی شود حریف قدرتش بشوی . مثلا : خانمی که به بچه اش از بچگی ، زیاد تکرار می کرد ، الینا بترکی ، تو شوخی و خنده ها ، در لذت ، در اوج هیجان ، کلمه بترکی را از فرط لذت بردن از بچه اش ، فی البداهه تکرار می کند ، بعد یواش یواش این جمله قدرت می گیرد ، این دختر بچه ناز سفید مامانی ، در سن ۱۰ سالگی ، یک بیماری می گیرد که سلولهای بدنش از داخل ، باد می کردند و متورم می شدند و می ترکیدند . بچه ها این مثالها واقعی هستند ، واقعی .

خانم دیگری می گفت به بچه ام هر موقعی که کار اشتباهی می کرد می گفتم : امین ، بی انصاف ، بی دین ، این کلمه را خیلی تکرار می کردم ، محصولش ، پسرش در سن ۱۳ سالگی ، ۱۵ سالگی ، ایشان شیطان پرست می شود ، یک کلمه ای که شما مداوم از آن استفاده می کنی .

یک مثال ناخوب از خودم : ما یک سری سفر رفته بودیم شمال ، من شروع کردم ، برادرم یکی از آهنگهای محسن چاووشی را گذاشته بود ، من یکی از آهنگهایش را خیلی خوشم آمد ، معمولا آهنگها را بخاطر متنها گوش نمی کنم ، اما مدل آهنگ را خیلی دوست داشتم ، جمله تکراری این آهنگ این بود : صبوریم کمه ، بی قراریم زیاده ، من الان خیلی سال است که ویژگی صبرم ، الحمدلله به لطف خدا خیلی بالا رفته ، اما خب این آهنگ را استقبال کردم ، احمد یک بار دیگر این آهنگ را بگذار ، احمد یک بار دیگر بگذار و در سفری که می رفتیم ، شاید ۲۰ بار تا ۵۰ بار ما این آهنگ را گوش دادیم و خب در هر بار این آهنگ ، شاید ۱۰ بار این جمله تکرار می شد ، که صبوریم کمه ، بی قراریم زیاده ، یعنی در طول روز ، شاید من نزدیک ۴۰۰ مرتبه این جمله را ذهن من تکرار کرد ، آخر شب ، هتلی که رفتیم ، یک اتاق ۳ تخته برای ۴ نفر به ما داد ، من به مامان گفتم : مامان میای ۲ تا از تخت ها را کنار همدیگر بکشیم که من روی آن بخوابم که راحت ۳ نفر جا بشویم ؟ مامان به من گفتند : چند لحظه صبر کن ، میام ، آقا من صبر نکردم ، من صبور ، صبر نکردم ، سریعا آمدم یکی از تخت ها را خودم بکشم نزدیک آن

یکی ، آقا تخت گران قیمت ، کنده شد افتاد ، هر کاری هم که کردیم درست نشد ، مامان به من گفت : مریم از صبر تو عجیب است ، تو که بچه صبوری هستی ، گفتم الان می آیم، چرا صبر نکردی ؟ جواب : دوستان عزیز ، صبر من در اثر قدرت زیاد بی صبوری جمله : صبوریم کمه ، بی قراریم زیاده ، از بین رفته بود و معکوس ، بی قراری در من بوجود آمده بود .

حالا شما هر جوری که بخواهی صبر کنی ، نمی توانی ، بی قراری که در مغزت تکرار کردی ، قدرت پیدا کرده ، الان حاکم است به شما ، تو ۵۰۰ بار این را تکرار کردی ، قدرتی که بوجود آمده ، ۵ میلیون تا در زندگی ات کار می کند .مثلا ؛ آقای که پژو ۲۰۶ داشت ، کل خانواده ماشینهای عالی و مدل بالا ، مدام به ماشینش می گفت لگن ، کسی می آمد ماشینش را قرض کند ، بابا این لگن ما دیگر اینقدر تشکر ندارد ، حالا بردی ، آوردی دیگر ، کلمه لگن زیاد تکرار شد ، قدرت پیدا کرد ، بعد ماشین ایشان در جاده تصادف می کند ، آتش می گیرد ، می شود لگن ، چه کسی این بلا را سر خودش آورده ؟ قدرت ناخودآگاهش .

یکی از اشخاص فامیل ما ، به او می گفتند : بچه دوم بیاور ، می گفت : چه فایده ، بچه اولم را که کسی دوست ندارد ، برای چه بچه بیاورم ؟ و هر بار این را تکرار می کرد ، هر بار ، بعد جالب است ، بچه دوم او ، دوست نداشتنی تر از بچه اولش بود .

خانمی را داشتم که به من گفت : خانم جباری شوهر من هر موقع به او پول می دهم ، پول را پس نمی دهد ، الان ۸ میلیون از مامانم اینها پول به من رسیده ، همسرم می گوید این ۸ میلیون را بده به من ، می دانم به او بدهم دیگر به من بر نمی گرداند ، چکار کنم ؟ به او بدهم ؟ به او گفتم این پول را برای چه می خواهد ؟ گفت الان می خواهیم خانه بخریم ، می خواهد بگذارد روی پول خانه ، خانه را بزرگتر کند ، گفتم خب بنده خدا ، سودش را که خودت می بری ، گفت خب نه ، اگر به او هم ندهم ، او همان خانه را می خرد ، ولی خب قرض می کند و به او فشار می آید ، گفتم نه عزیز من ، آن پول را به او بده ، اما به جای اینکه ذهنت را بگذاری که : شوهرم بر نمی گرداند ، بر نمی گرداند ، بر نمی گرداند ، معکوس بگو : من با خدا معامله کردم ، پولم را به خدا قرض دادم ، خدا قول داده ۱۰ برابر برمی گرداند ، ۸ میلیون من می شود ۸۰ میلیون برمی گردد ، ایشان خوشحالی کرد و رفت و ... چند هفته بعد آمد با خوشحالی زیاد ، گفت : خانم جباری من آن جمله ای که شما گفتید ، شروع کردم استفاده کردن ، هفته اول می گفتم ۱۰ برابر برمی گردد ، هفته دوم گفتم خب اگر مال قدرت ناخودآگاه من است ، چرا بگویم ۱۰ برابر ، می گویم ۱۰۰ برابر برمی گردد ، شروع کردم تکرار اینکه : ۱۰۰ برابر برمی گردد ، ۸ میلیون دادم ۸۰۰ میلیون برمی گردد ، تکرار ناخودآگاه ، بلاخره همسر من ملکی را خرید ، یهوویی از محضر زنگ زد ، گفت شناسنامه ات را بردار بیار محضر ، موقعی که من رفتم محضر ، چه اتفاقی افتاده بود؟ همسرم می خواسته روی آن خانه وام بگیرد ، گفتند اینطوری نمی شود ، حالا شرایط چی و چی ... اگر خانه به اسم ۲ نفر باشد ، شما نسبت به این یک قسمت که وام نخورده است به آن ، شما می توانید روی این قسمت وام بگیری ، نصف خانه را به اسم خانم می کند

ملک یک میلیارد و ششصدی ، نصفش میشه ۸۰۰ میلیون ! وای خدا ! از شر چیزی که خودمون خلق کردیم ، بعد تو قرآن هی میاد میگه ، هر چی از شر بهتون می رسه محصول خودته ، محصول خودته، این خانم می گفت من تو محضر هنگ تولیدات قبلی خودم بودم ، تو دیگه چیا رو تکرار کردی ؟ حالا ، این جملات تکراری بود ، قانون ناخودآگاه برایش فرقی نمیکنه ، جمله یا پیام ذهنی ، امروزه روانشناسان میگن که ما روزانه ۵۰ هزار تا فکر می کنیم که اگر ساعت‌های خواب مون رو بذاریم کنار ، تقریباً میشه ساعتی ۳ هزار تا فکر ، یعنی اگر بگیریم ما ۱۶ ساعت بیداریم و فکرمون داره کار میکنه ، تقریباً میشه ساعتی ۳ هزار تا فکر ، حالا این ۳۰۰۰ تا فکر یعنی ثانیه ای تقریباً یه فکر، بعد حالا شما الان ۱۰ ثانیه است نشستی داری غصه میخوری ، ناخودآگاه تو داره پیام غصه رو بزرگ میکنه ، داره واسش فایل درست میکنه ، فایل رو قدرتمند میکنه ، غصه غصه غصه غصه غصه غصه ، اینو داره کی خلق میکنه ؟ خودت ، بعد آقا تو مراسم عروسی داداش نشسته ، خوشحال نیست . لبخند به لب داره ها ، اما خوشحال نیست. بهش میگن چرا ناراحتی؟ میگه همین امروز طلبکارم رفته چک رو گذاشته اجرا، زنگ‌زده که دیگه خودت حواست باشه ، منم ندارم بدم ، واسه همین ، ای بابا ! چرا این آقا رفته امروز ، امروز که روز شادیه واسه تو ، عروسی برادرته برای تو این کارو کرده .می دونست عروسی برادرته ؟ آره بابا مردک بی انصاف ، مراقب کلمه هات باش ، مراقب کلمه هات باش ، ربطی به اون مردک بی انصاف نداره، شما عزیز من ! شما هر روز ۱۰ ساعت زندگی رو داری فیلم غصه بازی می کنی ، غصه تو وجود شما قدرت گرفته. قدرت غصه داره بهت حکومت میکنه ، یه جای زندگی رو هم که خوشحالی باید ، میاد اون خوشحالی را ازت میگیره. بعد ماها تو لفظ عامیانه می گیم ، خدا نمی تونه این یه ذره خوشحالی رو هم واسه این آدم ببینه ، میگیم آخی ! چه سرنوشتی ! گلیم آن کسی را که بافتند سیاه ، من یه مشاوره داشتم اصلاً شرایط رو داشتم می شنیدم ، قلبم داشت درد می‌گرفت. خانوم دختر خونه که بوده ، از تبعیض هایی که می شده نسبت بهش خیلی ناراحت ، خیلی غصه ، تو ذهنش خیلی احساس تنهایی ، خیلی ها و حس مشکل ، تنهام مشکل دارم ، تنهام مشکل دارم ، پیام ذهنی ها ، پیامی که به ذهن مخاطب داره القا می شه ، چرا من اینقدر مشکل دارم ، چرا همه مشکل مال منه ؟ چرا کسی منو درک نمیکنه ؟ چرا من اینقدر تنهام ؟ بعد ۲۰ ساعت زندگیش تفکراتش این مدل ، بعد اینا قدرت پیدا می‌کنند ، بعد با مردی ازدواج می کنه بسیار خسیس و بسیار رفیق باز ، باز هم مشکل مشکل مشکل تنها تنها تنها ، ایشون باردار میشه خوشحال از بارداری ، بچه دنیا میاد معلول ، مشکل مشکل مشکل مشکل ، باز همسرش که زنده بود ، هزینه‌های زندگی را می‌داد ، اما همسر هم ده سالگی دختر خانم فوت می‌کنه ، باز تنها مشکل مشکل مشکل ، بعد این دختر معلول اذیت بکن شدید ، داد بزنه سر مامانش ، موهای مامانش رو بکنه ، همراهی با مامانش نکنه ، بعد این خانم همه اطرافیان میگن آخیش ، عزیز من ! هیچ کس به بخت بد این خانوم نیست ، اصلاً این از اول بدشانس بود ، بعد واسه همین پیغمبر میگن میخوای صبور شی ادای آدم های صبور رو در بیار، یعنی هی با فیلم صبر پیام بده به ناخودآگاهت ، صبور صبور صبور ، بعد یواش یواش محصول چی میشه ؟ تو صبور میشی . میخوای کم خور شی ؟ ادای آدمهای کم خور ، مدل غذا خوردن تو مدل کم‌خوری ، ببین تو ذهنت ، فیلم بازی کن ، فیلم کم خوری ، میخوای روابط عمومیت قوی شه ؟ فیلم سخنرانی ببین ، خودت داری سخنرانی می

کنی ، داشو در بیار ، شما ادای هر چیزی را زیاد در بیارین یواش یواش همون شکلی میشین ، مال قدرت ناخودآگاهه !

بچه ها الان با قدرت ناخودآگاه تو جهان دارن قد بلند می کنند ، قدش ۱۵۴ سانته ، البته من اعتقاد ندارم به اینکه برو دنبال این کارها ، اصلاً ، اصلاً ، بیا اسلامی و دینی شو کار کن ، ببین چه اعجابی تو وجود تو به وجود میاد .

میگه خانم جباری یکی از شاگردای کلاس تونسته رنگ چشاشو عوض بکنه ، یکی دیگه از بچه های کلاس تونسته بیماری ۱۰ سالشو خوب بکنه ، فقط با قدرت ناخودآگاه ، فقط با معکوس تکرار کردن ، آفرین آفرین آفرین از اینکه می دونی چه قدرتی داره و میتونی از این قدرت بهره برداری کنی ، حالا من موافق اینکه رو قدرت اثر بذاری و رنگ چشمتو عوض کنی نیستم ، ولی موافق اینکه بیماری هاتو باهات خوب کنی ، ثروتتو زیاد کنی ، آدم جذاب و مشهور بشی ، ثروتمند فامیل بشی ، الگوی عالی بشی تو دنیا ، چرا ؟ چرا دنبال این نیستی ؟ خانم جباری ، خانم جباری یه سوال این وسط ، به چه دلیل رنگ چشم و قد نه؟ خوب وقتی میشه یه همچین کارهایی کرد ، بچه ها خواهش می کنن بعضی از حرکات یا افعالی که ما انجام میدیم یه سری صفت های ناخوب تو وجود ما میزازه ، مثلاً همین که رنگ چشمو بخوای عوض کنی یا قدرت رو بخوای بلند بکنی ، محصولش میشه صفاتی مثل نارضایتی ، مثل صفت دوستی به دنیا ، مثل صفت ارزش به ظاهر و ۱۰ تا صفت منفی که نمی ارزه ، نمی ارزه شما یه محصول به دست بیاری ، کنارش ۱۰ تا صفت منفی درونی برای شما خلق بشه ، در همین حد ، لطفا بیشتر هم کنکاش نکنید ، چون اصلاً جاش نیست با بحثی که داریم می کنیم بخوایم روی این موضوع پردازش کنیم . مثلاً ما داریم تو زمان حضرت مهدی ، تو زمان ظهور ، آدما ۵۰۰ سال جوانند ، خوب چی شده ۵۰۰ سال جوان مانده؟ فرض کن شما الان سه تا دوست رو ، جوان ، جوان ، جوان ، تو خیابون میبینی ، فکر می کنی اینا دوستای هم سن و سال همدیگه ان ، ۲۴ ساله ، ۲۶ ساله ، از اولی می پرسی که شما چند سال تونه ؟ میگه من ۴۲۰ سالمه ، بعد به اون یکی میگه شما چند سالته ؟ میگه منم ۳۵۰ سالمه ، بعد خانم اول میگه که ایشون یکی از ندیده های منه ، نه بابا ! به نفر اول میگه شما چند سالته ؟ میگه من ۴۰ سالمه ، من نسل هفتم از این جد مادریم هستم ، حیرت انگیزه بخدا ، با قدرت ذهن ، تکرار جوانی جوانی جوانی ، داره خودشو جوان نگه میداره ، قانون ناخودآگاه خیلی عجیب و هیجان انگیزه ، اینقدر میشه با این قانون کار کرد ، اینقدر میشه با قدرت تکرارهای خودمون اتفاقات عجیب برای خودمون به وجود بیاریم ، خانم جباری ما با گندهایی که قبل زدیم چیکار کنیم ؟ این خانمی که مرتب می گفته اینا بترکی ، بدن دخترش این بیماری را گرفته ، یا این یکی که پسرش شیطان پرست شده ، خوب الان اینا چیکار کنن ؟

تکرار های معکوس ، مداوم ، تو در عرض ده سال ، ده هزار بار کلمه اینا بترکی گفتی ، الان شروع کن به سرعت کوتاه کوتاه مامان جون همه عمرت سالم باشی ، مامان جان سلامت باشی ، مامان جان سلامتیو ببینم ، تکرار تکرار ، ۱۰ هزار بارت رو تو مدت زمان کوتاه تر بگو ، مادر این بچه در عرض دو سال بیماری دخترشو خوب کرد با تکرارهای درستش ، دو سال طول کشید ، بعضی از ماها یه چیزایی رو تو مغز خودمون کاشتیم که سالیان سال طول می کشه تا برش گردونیم ، به من میگه خانم

جباری ، بینی من خیلی بینی خوش فرمی بود ، اما بینی خواهرم یه بینی درشت زشت ، من یه عمل جراحی کردم برای اینکه بینی ام خوش فرم تر از اینم بشه ، یه غده توی بینیم در اومد ، الان خوب اون غده مشکوکه به یه چیزایه ، بینی من روز به روز متورم شده الان این اوضاعیه که می بینید، خانم جباری خوب من ۱۵ ، ۱۶ ساله بینی خواهرم تو چشممه ، هر بار نگاه صورتش می کنم بینی شو دارم نگاه می کنم ، هر بار دارم با این صحبت می کنم تمام پیام هایی که از مغز من راه میره بینی بزرگ خواهر منه ، خوب الان من بخوام این تلقین رو عوض بکنم ، تو ذهنم مرتب باید به کسایی که بینی کوچولو دارن نگاه بکنم ؟ بله !

۱- هم تمرین بکن به کسانی که بینی شون کوچولو هست نگاه بکنی

۲- هم تمرین بکن بابت صورت های قشنگ و بینی های قشنگ شکرگزاری کن.

۳- سعی کن صورت خواهرت رو نگاه می کنی بینی رو نگاه نکن ، بابا جاهای قشنگ دیگه شو نگاه کن ، پس شد ، اول سعی کنید منفی را بیرون بیدازید ، اصلا منفی رو نگاه نکن ، یه عمره داری به تورم ، یه عمره به اینکه شرایط خونه ام اینجوریه ، اینجوریه نگام می کنی ، هیچ وقت نمیشه خونه خرید نگاه می کنی ، اول منفی رو کوچیک کن ، بندازش بیرون ، بهش فکر نکن .

قسمت دوم ، مثبتی رو که می خواهی بنویسی ، قسمت سوم تکرار کن ، هر مثبتی رو که ما داریم تکرار می کنیم اون مثبت تو زندگی ما قدرت می گیره و قدرتش باعث میشه بارش نعمت تو زندگی ما جاری بشه و برعکس هر موقعی که داریم یه منفی رو تو ذهنمون تکرار می کنیم قدرت اون منفی باعث میشه چیزهایی را که دوست نداریم تو زندگی ما جاری بشه ، به این مثال ها قشنگ دقت کنید.

#ویس_چیو_داری_تکرار

○ نمیتونم، دیگه بریدم به کارام نمیرسم حوصله ندارم

□ چو داری تکرار میکنی منفی قدرتمند میکنی با قدرت منفی های تکراری هر چی که دوست نداری تو زندگیت میشه جاری

○ خدا به مو میرسونه ولی پاره نمیکنه

□ چه جمله ی خوبی تکرار میکنی اون رو قدرتمند میکنی با قدرت مثبت های تکراری بارش نعمت تو زندگیت میشه جاری

○ عجب ادم نفهمی هستی اصلا من رو نمیفهمی

□ چو داری تکرار میکنی منفی قدرتمند میکنی با قدرت منفی های تکراری هر چی که دوست نداری تو زندگیت میشه جاری

○ از زیر سنگ هم شده جور همیشه مطمئنم میرسه

□ چه جمله ی خوبی تکرار میکنی اون رو قدرتمند میکنی با قدرت مثبت های تکراری بارش نعمت تو زندگیت همیشه جاری

○ بچه هام شب ها دیر میخوابند همش کلافه ام به هیچ کدوم از کار هام نمیرسم همش خودم خوابالودم

□ چپو داری تکرار میکنی منفی قدرتمند میکنی با قدرت منفی های تکراری هر چی که دوست نداری تو زندگیت همیشه جاری

○ خداروشکر همیشه قبل نیازم پول فراوان میرسه

□ چه جمله ی خوبی تکرار میکنی اون رو قدرتمند میکنی با قدرت مثبت های تکراری بارش نعمت تو زندگیت همیشه جاری

○ هیچکس آدم رو از ته قلب دوست نداره

□ چپو داری تکرار میکنی منفی قدرتمند میکنی با قدرت منفی های تکراری هر چی که دوست نداری تو زندگیت همیشه جاری

○ ماشالا چقدر پر انرژی ام اصلا هر جا میرم انرژی و هیجان رو پخش میکنم

□ چه جمله ی خوبی تکرار میکنی اون رو قدرتمند میکنی با قدرت مثبت های تکراری بارش نعمت تو زندگیت همیشه جاری

○ خیلی از تنهایی میترسم نکنه همیشه تنها بمونم نکنه تنهای تنها باشم و تا آخر عمرم کسی من رو درک نکنه

□ چپو داری تکرار میکنی منفی قدرتمند میکنی با قدرت منفی های تکراری هر چی که دوست نداری تو زندگیت همیشه جاری

○ خدا یک جوری هوای من رو داره عجیب غریب هیچکس رو اینجوری مثل من دوست نداره

□ چه جمله ی خوبی تکرار میکنی اون رو قدرتمند میکنی با قدرت مثبت های تکراری بارش نعمت تو زندگیت همیشه جاری

○ همش یک کاری میکنی حرص منو در بیاری

□□ چپو داری تکرار میکنی منفی قدرتمند میکنی با قدرت منفی های تکراری هر چی که دوست نداری
تو زندگیت همیشه جاری

○ صبر میکنم به خدا توکل میکنم مطمئنم پیروزی با منه

□□ چه جمله ی خوبی تکرار میکنی اون رو قدرتمند میکنی با قدرت مثبت های تکراری بارش نعمت تو
زندگیت همیشه جاری

○ اگر این حرفمو بزنم شر همیشه بد همیشه

□□ چپو داری تکرار میکنی منفی قدرتمند میکنی با قدرت منفی های تکراری هر چی که دوست نداری
تو زندگیت همیشه جاری

○ دنیا به خاطر من تحول زیاد پیدا میکنه چون من هستم

□□ چه جمله ی خوبی تکرار میکنی اون رو قدرتمند میکنی با قدرت مثبت های تکراری بارش نعمت تو
زندگیت همیشه جاری

○ مغازم بر خیابون نیست فروش ندارم

□□ چپو داری تکرار میکنی منفی قدرتمند میکنی با قدرت منفی های تکراری هر چی که دوست نداری
تو زندگیت همیشه جاری

○ بچه هام گاهی هوای همرو دارند الهی همیشه این بمونه

□□ چه جمله ی خوبی تکرار میکنی اون رو قدرتمند میکنی با قدرت مثبت های تکراری بارش نعمت تو
زندگیت همیشه جاری

((بارش توو زندگیت همیشه جاری...))

الهی که همیشه بارش نعمت تو زندگی هممون باشه .

حالا سوال از شما :

شما چقدر سلامتین؟؟

□ به اندازه قدرت تکرار های ناخودآگاهم بر سلامتی.

شما چقدر مشکل مالی داری؟

□ به اندازه تکرار های ناخودآگاه ذهن یا زبان در مورد فقر.

((از حضرت علی علیه السلام داریم ؛ به فقر زیاد فکرکنی فقیر میشی.))

تو قانون جذب شما ده تا به فقر فکر کردی ، ده تا باید فقر بیاد سراغت .

اما تو قانون ناخودآگاه ، شما هزارتا به فقر فکر کردی صد هزارتا باید فقر بیاد توی زندگیت ، ناخودآگاهتو پر کردی میفهمی؟؟

هرچی که دوست نداری رو توی زندگیت جاری کردی ، میفهمی؟؟

■ از حضرت علی علیه السلام داریم :

زیاد به یک خطا فکر کنی ، آخرش شما آن خطا را میکنی ، دیگه نمیتونی اون خطا رو نکنی. دانشجویان عزیز، چرا میگن لذت بردن از گناه از خود آن گناه بدتره؟؟ به چه دلیل؟؟

مثلا : من دارم الان گناه غیبت ... نه نه ، آن ها دارند گناه غیبت انجام میدن تا حالا ویژگی غیبت ، قدرت غیبت تو ناخودآگاه این ها صد هزارتا است. الان لذت که میبره ، لذت پیام تشویق ، خوشحالی از غیبت ، خوشحالم غیبت کردم . پیام خوشحالی از غیبت آن ده هزار تا قدرت رو کرد یازده هزارتا ، حالا یازده هزار قدرت غیبت به شما حکومت میکند. بعد شما هرچی خودت رو فشار میدی ، غیبت نکنی آخرش میکنی ، چرا؟؟

(از قدرتش نمیتونی فرار کنی).

*خب چیکار کنم؟؟ □چقدر پیام دادی درمورد غیبت و خوشحالی غیبت به مغزت؟؟ شروع کن به همان اندازه پیام درمورد حسن ظن به مغزت بده .

کیف میکنم از اینکه حسن ظن در مورد دیگران میکنم . کیف میکنم از اینکه آبروی یک نفر رو نگه میدارم.

کیف میکنم از اینکه... بعد اینو تکرار کن ، از حسن به بقیه کیف میکنم ، از حسن ظن به بقیه کیف میکنم .. □چقدر از غیبت کیف کردی؟؟

*ممم ، ده هزار دفعه... □ده هزار مرتبه این کلمه ی (از حسن ظن به دیگران کیف میکنم) و شروع کن تکرار کردن. جانم به خدای مهربان ما ، ببین احادیث رو : خداوند به حضرت داوود میگه یا داوود، به بنده هام بگو کسی صبح بیدار بشه با اخم ، به جنگ با من برخاسته ، بهش بگو بره یک خدای دیگه پیدا کنه . خدایا! تو که انقدر مهربونی با بندهات ، چرا انقدر داری تشر میزنی؟؟ چرا انقدر ناراحتی؟؟ ، خیلی خب خدای من ، الان عصبانیه دیگه ، ناراحتی از اتفاقات ، ناراحتی از روزمرگی هاش ، ناراحتی از غم و غصه هاش ، خب بیدار شده با اخم بیدار شده ، اخه خدای من اشکالش چیه؟؟ جواب خدا : آخه ببین ، داره به غم و غصه فکر میکنه داره مغزشو پر میکنه ، داره ناخودآگاهشو پر از غم میکنه بعد قدرت این غم تو زندگیش جاری میشه ، من چکارش کنم؟؟

تازه فکر های اول صبح ، اثرش دو سه برابره ، چون مغز خالیه هر چی که بهش میدی دو سه برابر کار میکنه ، خود اول صبح که دو سه برابر ، قدرت ناخودآگاه هم که ضرب میشه ، ده ها برابر چه حجمی تو وجود تو قرار میگیره خب تو که الان اینو میدونی اول صبح بیدار میشی شروع کن : آخجون یه روز جدید ، آخجون یک روز هیجان انگیز... آخجون من دارم اولین لحظات از زندگی هیجان انگیز آیندمو شروع میکنم . تو همان اندازه که یک خانم رئیس جمهور تو جهان هستی فکر و ناخودآگاهش کار میکنه ، ناخودآگاه توام کار میکنه ، یک نفر بتونه با تلقین هشت میلیونم صد برابر برمیگرده هشتصد میلیون خدا بهم میرسونه ملک هشتصد میلیونی دریافت بکنه ، بعد تو در اثر اینکه ناخودآگاهتو کنترل نمیکنی هی بخوای ضربه ببینی تو دنیا؟؟ قدرت تکرارهای خودتو امیر باش.

بعد جانم خدای مظلوم ، ماها که نمیفهمیدیم ناخودآگاه چیه ، ! ماها که اصلا علم به اینجا نرسیده بوده که قدرت نیمه آگاه رو برای ما باز بکنه ، خدا میداد از خودش مایه میزازه : میگه یا داوود به بندهام بگو صبح با اخم بیدار نشن ، اینطوری دارن با من جنگ میکنن...

■ تو فیلم گالیور ، یک صحنه ایش ، آدم کوچولوهاش اومده بودن ، گالیور که از توی دریا اومده بود روی زمین با بندهای خیلی خیلی زیاد ، گالیور رو به زمین بسته بودن بعد این موقعی که بیدار شده بود هیچ حرکتی نمیتونست بکنه ، آدم کوچولو ها بند های کوچیک بسته بودن به ایشون ، اما خب تعداد این بندها خیلی زیاد بود .

■ ناخودآگاه اینجوری آدم رو اسیر میکنه..

با کلمه های خیلی کوچولو کوچولو ، با کلمه هایی که اصلا تو باورت نمیشه ، و اااا مگه من هی دارم میگم خستم خستم مگه من دارم چیکار میکنم؟؟؟

مگه من نشستم دارم کنار مادرشوهرم؛ کنار مادرم از درد قفسه سینم دارم حرف میزنم ، فردا با دوستم حرف میزنم ، پس فردا...

اخه این حرف کوچولویی مگه چیه؟؟؟

نوچ نوچ نوچ... شما با این داری اسیر میکنی خودتو... رسما داری به اسارت ناخودآگاه منفی خودت در میای . من برادر زاده دوماهم ، خونه ما بود صبح نمیخوابید ، منم ۵:۱۵ صبح داشتم کارامو انجام میدادم ، برادرم منو صدا کرد گفت این نمیخوابه میای پیشش ما بخوابیم؟؟ بعد من رفتم پیششون ، ناخودآگاهت : مریم مراقب ناخودآگاهت باش ، خب تو داری طراحی کار داری انجام میدی ، نشستی سر کتابو مشقت اصلا زمان نداری ، نگو زمان نداری نگو... مراقب ذهنت باش، مراقب تکرار های ذهنت باش ، □ بعد شروع کردم گفتم : خدا هوا منوی داره خدا همیشه برنامه های منو ردیف کرده ، بچه رو روی پام خوابوندم ، از این طرف میزکنارم بود داشتم مشق ها و کارامو انجام میدادم ، خوابش که برد ، یهو دیدم وسط خواب دلپیچه و دلردی بود شروع کرد نق نق کردن ، یه ذره نگاهش کردم گفتم عمه جون ، من کار دارم منو درک کن ، تو همیشه با من همراهی کردی ، بچه دوماهه تو لحظه ای که اینو بهش گفتم یه لبخندی زد تو اوج غصه و بعد کامل خواب عمیق...

● عشق من ، قدرتمندترین قدرت دست خودته. امپراطوری آینده قدرت ذهن ماست ، توذهنت مثبت های ذهنت رو چقدر تکرار میکنی؟؟ بیست بار تکرار کردی باریک الله ، حالا بیست بار تکرار کردی حالا یه خورده هم نگه دار تو ذهنت ، هزار یه پنج دقیقه هم تکرار بشه ، پنج دقیقه میشه سیصد تا فکر ، بیست بار که تکرار کردی ، سیصد تا فکر هم بهش اضافه بشه سیصدو بیست بار فکر . قدرت مغز خیلی عجیب غریبه...

● ماها خیلی نمیخوایم مراقب جذب هامون عملی که داره در لحظه از ما صادر میشه باشیم ،

خیلی باید مراقب عادت هامون ،

جمله تکراری هامون ،

حرکت های تکراری خودمون ،

فکرای تکراری خودمون باشیم .

ما از یک سوپر استار موفق که اهل نماز و روزه نیست ، بشنویم که از بس داره تکرار میکنه خدا خیلی منو دوست داره ، خدا خیلی هوای منو داره ، خدا همیشه منو ساپورت کرده ، خدا همیشه جلو جلو داره کار های منو راه اندازی میکنه ، در اثر قدرت ناخودآگاهش به خیلی از اونچیزی که استحقاقشو داره برسه . «بعد یک آدم مومن ، نماز خون ، روزه بگیر ، اهل خمس ، در اثر تکرار زیاد فکر به فقر ، تکرار زیاد به غم و غصه ، تکرار زیاد اینکه من چقدر بدشانسم . خدا چرا هوای منو نداره؟؟ خدا اصلا چرا منو نگاه نمیکنه؟؟ بدبختی تو زندگیش جاری باشه..هی هی هی...مریم جان الان از چی داری آه میکشی؟؟؟ مراقب این آهه باشا ، این آه زیاد تکرار بشه قدرت میگیره.

وای خدای من ، خیلی بچه ها حواستون باید باشه به چیزایی که تکراری در طول روز دارین انجام میدین!!مریم خوشحالی کن از لحن شادت . آقا پسری لپ تاپ میخواست پول نداشت مرتب شروع کرد تکرار ناخودآگاه : من اینو میخوام خدا هم کمکم میکنه به دستش بیارم ، من اینو میخوام خدا هم کمکم میکنه به دستش بیارم ، بعد با ذهنش شروع کرد دیدن ، دیدن اینکه با اون لپ تاپ داره کار میکنه ، با لپ تاپ زندگی میکنه ، با لپ تاپ داره ...بعد خیلی جالب ، همون هفته پدر بزرگش برایش قسطی لپ تاپ میخره ، بهش میگه یک میزانش هدیه اس ، یه میزان دیگش رو خودت یواش یواش قسطی بهم پرداخت کن . لپ تاپ اومد با قدرت ناخودآگاهش ، معجزه ی خیلی عجیب تر اینا چیه میگی خانم جباری ، معجزه بیا برای ما بگو..توی یک دهکده ای توی آمریکا ، اومدن همه ی وسایل دهکده رو مثل ۴۰سال قبل ساختن ، شونه ، شونه ی چهل سال قبل ، کف خونه کف خونه های چهل سال قبل ، شیشه شیر ، شیشه شیر چهل سال قبل ، روزنامه ها ، روزنامه های چهل سال قبل ، دکه ها ، رنگ بندی ، آسفالت های کف خیابون ، همه چی شکل چهل سالگی ، بعد از

یه سری آدم پیرزن پیرمرد های ۸۰ساله به بالا دعوت کردن تو این دهکده زندگی کنند و نتیجه چه شد؟؟؟بچه ها؟؟ داره باور چهل سالگی ، تلقین چهل سالگی ، به ذهن این ها مخابره میشه ، هر وسیله ای رو که برمیداره میگه :آخی چهل سالگی ،آخی چهل سالگی ، دخترعموی من بعد از مدت هایی کرج مینشست ، اومه بودن تهران سکونت محله ی قدیمی شون ، بعد از یک مدت احساس میکردیم پوستش جوان تر و شاداب تر شده ،محله بهش ساخته ، از تکرار اینکه :

ععه این کوچه ، ععه این خونه ، ععه اینجا این کارو میکردیم ، ععه اینجا با دوستای بچگی ، داره مرتب تصویر جوانی شو هی میبینی هی میبینی ، تو این دهکده هم برای پیر مرد و پیر زن ها هم این اتفاق افتاد .هی تصویر چهل سالگیشونو میدیدن ، با تعداد زیاد تو طول روز ، تصویر چهل سالگی و کلمه ی ععه چهل سالگی ، مخابره میشد به مغز.بعد محصول :در عرض دوسه ماه آرتروز پاهاشون شروع شد خوب شدن ، چین و چروک پوستشون شروع شد کم شدن ، بعضی از کچل ها مو در آوردن . خانم جباری این ها واقعه؟؟؟خوشبختانه واقعه ،خداروشکر واقعه ، خداروشکر خدا به ما یه گنجینه بی نهایت داده تو مغزمون ، اصلا تک تک جملات ما ، تک تک تکرارهای ما ، تو عالم هستی ارزشمنده ،حالا دیگه به این تکرار های ما قدرت ، یعنی قدرت ناخودآگاه بهش حاکم بشه ، چه شود؟؟؟

۱ . مرحله اول : که به خودت برمیگرده ، به خودت حکومت میکنه .

۲.مرحله دوم :جهانت رو تغییر میده .

۳.مرحله سوم : فرشته ها ،خدا ،ذرات عالم ، دارن از تکرارهای خوب شما بهره برداری میکنن ، خوشحالی میکنن.

●● پس خواهش میکنم خودمون رو جدی حساب کنیم

به امام خمینی گفتن که چی شد انقدر قدرت گرفتین؟امام گفتن :

نمیتونم ، نمیشد ، نمیزارن ، رو از تو مغزم کندم انداختم بیرون.

به جاش میشه ،میزارن ، میتونم .

میشه میزارن میتونم ، میشه میزارن میتونم.

وای وای وای انقدر که داره تکرار میکنه اینو که تمام هستی به ایشون چشم میگه ..

ماها یک شخص از اطرافیانمون زورگو به ما هستش نمیتونیم زورش را ساکت کنیم ،

بعد امام خمینی یک شاه یک حکومت دوهزارو پونصد ساله رو بیرون میندازه .

یک مثال دیگه : دکتر از دیل ، صدو هشتاد سال قبل ،

یک سری از بیمار ها که میومدن پیششون بیمار را هیپتونیزم میکرده ، تو هیپتونیزم عمل جراحی

انجام میداده ، اصلا هنوز عمل جراحی کشف نشده بوده ، عمل تومور چشم ، صدوهشتاد سال قبل ، نوشتن چهارصد تا عمل جراحی انجام میداده با قدرت ناخودآگاه . تو هیپنوتیزم به ایشون اعلام میکرده بدنت سالمه ، بدنت داره روز به روز سالمتر میشه ، بعد اون تومور رو از توی چشم در میاورده جراحی میکرده چشم و میبسته ، بیمار که از خواب هیپنوتیزمی در میومده هیچ گونه اثرات منفی نمیدیده یا مثلا میان تو هیپنوتیزم یخ میزارن روی پیشونی طرف تلقین بهش میدن که این یه تیکه مس گذاخته اس ، مس گذاخته اس ، فلز گذاخته اس ، بعد محصول هشتاد درصد پیشونی ها تاول میزنن از سوختگی .

دوباره میان توی آزمایشی ، یک قرصی را تبلیغ میکنند به بیماران سرطانی که دیگه ناامید بودن از زندگی ، تبلیغات راه میندازن ، سمینار درست میکنند، یه ده نفری میان بالای سمینار بعد اعلام میکنند من سرطان ریه داشتم ، این داروی جدید ضد سرطان و که استفاده کردم حالم خوب شده ،

نفر بعد میاد بالا میگه من سرطان کبد داشتم همین دارو رو استفاده کردم خوب شدم ، نفر بعد میاد ...ده نفر ادم میان بالا اعلام میکنند سرطان هامون خوب شده ، بعد بیمارانی که نشستن سرطانی انگیزه انگیزه انگیزه میگیرن بعد از سمینار تعداد زیادی از سرطانی ها میان اعلام میکنند ما هم میخوایم ازین دارو استفاده کنیم ، اون دارو براشون مصرف میشه و بعد نتیجه خیلی از سرطانی ها بالای هشتاد درصد بهبود پیدا میکنند . بعد کاشف به عمل میاد که این دارو یک استامینوفون ساده بوده . این ها فقط به وسیله قدرت باورشون شفا پیدا میگردن.

مثال دیگه :

دکتر مس مر توی پاریس ، خیلی سال قبل ، خیلی سال قبل ، ایشون اول با مغناطیس با انرژی ، یه دستگاهی رو میکشیده به بدن آدم ها گفته این انرژی داره حال شما خوب میشه ، بعد یه سری از آدم ها ، (یعنی تلقین میداده بهشون)

یه سری از آدم ها شروع میگردن حالشون بهتر میشه ، اینایی که حالشون بهتر میشه هی تبلیغات میکنند ، تعداد بیمارهای ایشون زیاد میشه ،

تعداد بیمارها که زیاد میشه کارش که میگیره ، یعنی باور مردم به ایشون که زیاد میشه دیگه دستگاه رو هم میزاره کنار میگه دست خودم انرژی داره دست خودم مغناطیس داره ،

انقدر تعداد شفا یافته ها از بیماری زیر دستان دکتر مس مر زیاد میشه که پاریس ، هیئت علمی دانشگاه بسیج میکنه برید تحقیق کنید ببینید واقعا دستای ایشون انرژی داره؟؟

این ها میرن تحقیق میکنند میبینن نه بابا ، واقعا هیچی نیست.دکتر مس مر رو زندانی میکنند ، تو زندان ایشون فوت میکنه.

ایشون فقط داشته از ناخودآگاه بقیه ی آدم ها پول درمیاورده .

ببینم شما الان که دارید این درس رو میدیم شاکر قدرت ناخودآگاهتون هستین؟؟
اصلا به هیجانی اومد توی شما که عجب قدرت ناخودآگاهی دادی به ما تشکر .
خدایا با این قدرت زندگیم رو کن فیکون میکنم.
تشکر..تشکر...

#ویس_عجب_قدرت_ناخودآگاهی_دادی_به_ما

□ یه لپ تاپ می خواسته هیچی هم پول نداشته . می فهمه نا خودآگاه و تکرارهای ذهن چه قدرتی داره
آخر شب قبل خواب شروع می کنه دیدن لپ تاپ اینکه که اون را داره ، داره استفاده می کنه .
پدر بزرگش براش یه لپ تاپ هدیه میاره .

□ عجب قدرت ناخودآگاهی دادی به ما تشکر ،
با این قدرت زندگیم را کن فیکون می کنم .
تشکر تشکر

□ یخ رو پیشونیش تو هیپنوتیزم میزارن ، تلقین می کنن مثل گذاخته هست ، مثل گذاخته هست .
۸۰ درصد آدمها پیشونی هاشون تاول می زنه .
□ عجب قدرت ناخودآگاهی دادی به ما تشکر
با این قدرت زندگیم را کن فیکون می کنم .
تشکر تشکر

□ قبل ظهور در اثر قدرت ذهن نیروی هر مرد ۴۰ برابر میشه .
□ عجب قدرت ناخودآگاهی دادی به ما تشکر ،
با این قدرت زندگیم را کن فیکون می کنم .
تشکر تشکر

□ دکتر مسمه فقط با تلقین اینکه دستهای من انرژی خاص داره بیمارهای زیادی را شفا میده و اونقدر شفا یافته ها زیاد میشن که تیم تحقیق میفرستن که واقعا" ایشون انرژی داره یا نه ؟

می بینن نه بابا ! از انرژی خبری نیست ایشون فقط با قدرت ناخودآگاه خودش و باور بقیه داره بقیه را شفا میده .

□ عجب قدرت ناخودآگاهی دادی به ما تشکر .

با این قدرت زندگیم را کن فیکون می کنم .

تشکر ، تشکر

□ زیاد تکرار کرده خوش شانسم خوش شانسم همه جا جایزه دریافت می کنه سکه بهار آزادی .

□ عجب قدرت ناخودآگاهی دادی به ما تشکر .

با این قدرت زندگیم را کن فیکون می کنم .

تشکر تشکر

□ خانمی با قدرت ذهن خودش ناخودآگاهش یه دیگ غذا درست می کنه ، یه دیگ غذای اندازه ۴۰۰ ، ۵۰۰ نفر اما اون غذا را به ۳ هزار نفر تو هیئت میده .

□ عجب قدرت ناخودآگاهی دادی به ما تشکر

با این قدرت زندگیم را کن فیکون می کنم .

تشکر تشکر

□ امام رضا با قدرت ذهنی ، بزرگ کردن غار ، ۳ تا گرد نون را می کنن ۳۰۰ نفر غذا میدن .

□ عجب قدرت ناخودآگاهی دادی به ما تشکر

با این قدرت زندگیم را کن فیکون می کنم .

تشکر تشکر

□ تو دهکده ۴۰ ساله ها با تلقین آدمهای ۸۰ ساله ، ۴۰ ساله بشن مو دربیارن ، آرتروز پاهاش خوب بشه .

□ عجب قدرت ناخودآگاهی دادی به ما تشکر

با این قدرت زندگی را کن فیکون می کنم .

تشکر تشکر

□ تو زمان ظهور با افزایش قدرت عقل ، ناخودآگاه هر آدم ۵۰۰ سال جوون می مونه مثل ۲۳ ساله ها .

□ عجب قدرت ناخودآگاهی دادی به ما تشکر

با این قدرت زندگی را کن فیکون می کنم .

تشکر تشکر

□ تبلیغ کردن داروی ضد سرطان که دارو کشف شده بیابین همه آزمایش بدین ۸۰ درصد بهبودی به وجود میاره مردم میرن و واقعا" ۸۰ درصد بهبودی بعد ها می فهمن این دارو فقط استامینوفن بوده ، فقط با قدرت ناخودآگاه و تلقین .

□ عجب قدرت ناخودآگاهی دادی به ما تشکر

با این قدرت زندگی را کن فیکون می کنم .

تشکر تشکر

واقعاً تشکر! خانم جباری یک سوال: این مبحث تکرار و ناخودآگاه در دین ما هم آمده؟ بله ما نماز داریم تکراری! یک سری از الفاظ روزانه ۵ بار تکرار میکنیم قدرت ناخودآگاه مان بالا برود مثلاً ما در نماز روزی تقریباً ۵۰ بار می گوییم الله اکبر حالا کسی که واقعا الله اکبر را صدا بزند یعنی وقتی می گوید الله اکبر پیام از ذهنش رد بشود خدا بزرگتر است نه اینکه فقط لقلقه زبان الله اکبر اصلاً نمیداند چه دارد می گوید وقتی نمیدانی چه داری میگویی ذهنت آن پیامهایی را دارد مخابره میکند که به آن فکر کردی؛ آن پیامهایی که طوطی وار گفتی که اصلاً ضبط نمی شوند. مثلاً شما هزار دفعه بنشین و بگو: پول دارم، پول دارم، پول دارم، پول دارم.... ولی در ذهنت داری به این فکر میکنی که ای بابا خودت را مسخره کردی! جمع کن این آدا بازی ها را، این ها چیست؟ خوب آن پیام ذهنی شما قدرت میگیرد نه آن چیزی که به لفظ داری اعلام میکنی!

-خانم جباری چطور پس آنجا الینا بترکی به لفظ دارد اعلام میکند نتیجه داد؟

-بله به لفظ گفت ولی در درون هم دارد به همان فکر می کند در درون به کلمه ی بترکی دارد فکر میکند بترکی را با همه ی وجودش دارد میگوید. حالا شما الله اکبر را با همه ی وجودت بگو ۵۰ بار روزانه، خدا از همه چیز بزرگ تر است، خدا از همه چیز بزرگتر است، الله اکبر، الله اکبر....چه قدرتی در تو

می آید؟ چه قدرت ناخودآگاهی به تو حاکم میشود؟ دیگر زور کسی به تو میرسد؟! اصلاً ما روایت داریم انقدر آیات داریم در مورد ذکر، ذکر، ذکر، ذکر، مداومت به ذکر، ذکر یعنی چه؟! اسامی بسیار قدرتمند و مثبت. مثلاً داریم کسی بیمار میشود مثلاً دستش بیمار شده، روی دستش، دست بکشد ذکر السلام را ۱۳۱ مرتبه بگوید السلام، السلام، السلام، السلام... تو داری دقیقاً از صنعت تکرار استفاده میکنی کلمه ی سلام، سلامتی را ۱۳۱ مرتبه تکرار کرد قدرت پیدا کرد در ذهن، بعد چیزی که حاکم شد به تو میزانی سلامتی است. حالا ذکر السلام را تکرار میکند هیچ اتفاقی هم در زندگیش نمی افتد. خوب خودش با تمرکز نگفته، خودش با توجه اعلام نکرده، لقلقه ی زبانی گفته. صنعت تکرار در دین ما اصلاً در دین ما میگوید: مراقبه داشته باش هر لحظه! چه میگویی؟ چه عملی انجام میدی؟ چه حرکتی میکنی؟ چه پیامی در ذهنت هست؟ این ها یعنی چه؟ مراقب باش دیگر مراقب! مراقب چه باشم؟ خودت! تو داری چه کار می کنی؟ - نه خانم جباری گفتن مراقب خودت باش که آخرت یک وقت نسوزی جهنم نروی؟- تو را به خدا جمع کن تو یعنی فکر می کنی واقعاً دین من با این شدت، آمده فقط برای آخرت من؟! دین من قرار نیست دنیای من را آباد بکند؟ گفته مراقب خودت باش چون تکرارهای تو بلا سرت می آورد، تکرارهای مثبتت زندگیت را گلستان میکند، تکرارهای منفی ات زندگیت را داغان میکند. بعد خدا برایت نشسته مشق نوشته مهمترین تکرارهای جهان، چه چیزهایی را زیاد تکرار بکنی! آن چیزهای مهمی را که باید تکرار بکنی تبدیل کرده به یک متن و نوشته به اسم نماز داده دستت! عشقم، عزیزم بیا روزی ۵ بار اینها را با این حالت ها تکرار کن بزار ملکه ی ذهنت بشوند، بزار در وجودت قدرت بگیرد، من دوست دارم تو شخصی بشوی که زور هیچ کسی به تو نرسد، برای همین باید ذکر الله اکبر را زیاد بگویی، من دوست دارم که تو کسی باشی که پر از رحمت و نعمت باشی، پر از ثروت باشی برای همین ذکر بسم الله الرحمن الرحیم را باید زیاد بگویی، بعد جالب است خانم کتاب روانشناسی غرب را بر میدارد ۲۰۰ مرتبه بر دیوار خانه اش مینویسد من دوست داشتنی هستم. روزی ۲۰۰ مرتبه بگو! بعد روزی ۲۰۰ بار میگوید واقعاً دوست داشتنی می شود در فامیل، بعد محصولش ویژگی غرور او را میگیرد. بعد بخاطر ویژگی غرورش چه میشود؟ یک مرد بسیار بسیار زن باز کنار او قرار میگیرد مردی که او را خیلی دوست دارد اما زنان دیگر را هم دوست دارد.

-خوب خانم جباری چرا این جور شد اینکه جمله ی خوبی را تکرار کرد؟ - بله جمله ی خوبی را تکرار کرد اما حواسش نبود این جمله که دارد تکرار می کند چه صفتی را درونش خلق میکند بعد خدا می آید در نماز به تو آموزش میدهد روزی ۱۰ بار بگو ایاک نعبدُ و ایاک نستعین تو را دوست دارم فقط تو را می پرستم. در اثر تکرار هم خودت دوست داشتنی میشوی، هم دوست داشتنی متواضع میشوی! بعد نشسته با عقل خودش ۲ تا ۲ تا ۴، تا کرده اگر نماز فایده داشت این بابا و مادرم ۵۰ ساله دارند میخوانند باید فایده میدیدند؟! خوب عزیزمن نماز را اشتباه خوانده، به الفاظ نماز فکر نکرده، طوطی وار خوانده رفته، واسه آخرتش فقط خوانده، نماز را برای دنیا یش خوانده که !البته، البته، البته، خوب بلد نبوده، قدرت ذهن بلد نبوده!

اما بعضی اشخاص نادر را هم داریم که از این قدرت استفاده کردند مثلاً پدر بزرگ یک بنده خدایی، بچه اش دندان درد میگیرد آقا یک حمد میخواند به یک آب می گوید: بابا جان بیا بخور! بچه میخورد در آن دندان دردش خوب می شود. بابایی چه به آب خواندی؟ سوره حمد خواندم بابا جان. و ا بابابزرگ پس

چرا بقیه این همه نماز میخوانند اثر نمیگیرند؟ آنها که نماز نمیخوانند آنها یک چیزی گذاشتند لب طاقچه ایشان نگاهش میکنند نماز را باید بخوری، باید ببلعی، باید تک تک الفاظش را در روحت بجوی، باید قدرتت را در وجودت خلق کنی، باید با تمرکز بگویی، آن وقت دیگر، آن وقت دیگر هیچ کسی نمی تواند حریف قدرت تو بشود.

یک واژه داریم در قرآن به اسم عقل، در روایات داریم: خداوند برتر از عقل هیچ نعمتی را بین بنده هایش تقسیم نکرده، ثروتی بالاتر از عقل وجود ندارد.

□ حالا عقل چیست؟ قدرت تکرارهای ما نسبت به قدرت خدا.

به قدرت خدا زیاد فکر کرده ذهنش قدرت گرفته. جهنمی ها روز قیامت میگویند: ما اگر گوش شنوا داشتیم عقل می کردیم، در جهنم نبودیم. اگر حرفهای خدا را گوش میکرد بعد عقل میکرد بعد می آمد در قدرت خدا، قدرت خدا را تکرار می کرد، تکرار میکرد، تکرار می کرد. نماز یکی از تمرین های قدرت خداست شما اصلاً ذکر الله اکبر داری استفاده می کنی داری قدرت خدا را به رُخ جهان می کشی، داری قدرت خدا را به ناخودآگاه ات تلقین می دهی. در واقع عقل پیشرفته ی ناخودآگاه مثبت است. شما زمانی که ناخودآگاه می آیی مثبت ها را بزرگ میکنی چه قدرتی به تو حاکم می شود به اندازه ی تکرار های شما مثلاً ۱۰۰ دقیقه نشستی در مورد مثبت ها تکرار کردی، چقدر نعمت در زندگی جاری شده؟ ۳۰۰۰ تا حالا می آیی ۱۰۰ دقیقه در مورد قدرت خدا فکر میکنی، چقدر نعمت در زندگی می آید؟ ۳ میلیارد تا! -چرا خانم جباری؟ چرا؟! -آخر شما ۱۰۰ دقیقه در مورد قدرت نامحدود خدا فکر کردی مغزت قدرت نامحدود گرفته

مغزت قدرت نامحدود گرفته به این می گویند ((عقل)) اما شما یک زمانی می آید و فقط روی ناخودآگاه آن هم ناخودآگاه های مثبت فکر می کنید ذهنت قدرت می گیرد اما قدرت کوچک قدرت کم.

■ شهید محسن وزوایی تو جنگ تحمیلی عراق به ایران، ایشان دید دشمن دارد پیروز می شود تو یکی از عملیات ها، هواپیماهای دشمن تعداد زیاد است تانک ها زیاد است، دیگه دارند حملات را زیاد می کنند الان است که پیروز شوند شهید محسن وزوایی شروع می کنند سوره فیل میخوانند و فوت میکنند، جانم، بعد هواپیمای دشمن خودش را میزند هواپیمای دشمن را میزند، هواپیمای دشمن تانک های خودشان را می زنند، وای واقعا!! بله عزیز من روایت هایش هست

■ در اثر چی شهید وزوایی اینجوری قدرتمند شده؟؟ در اثر قدرت عقلش عزیز من، انقدر به قدرت خدا زیاد فکر کرده که الان سوره می خواند سوره فیل را میخواند با تمرکز می خواند اثرش را آنی می بیند.

■ به خاطر همین داریم تو زمان حضرت مهدی تو کتاب علائم ظهور نوشته سلاح بستن دشمنان است ولی وقتی می آیند شلیک کنند مومنان این طرف می گویند شلیک نشو به خودش برگرد به خودش برگرد خودش را خراب کن، بعد سلاح به جای اینکه، موشک به جای اینکه این طرفی موشک پرتاب شود، مثلاً بیاید توی ایران، برمیگردد می خورد تو وسط میدان کافرا، نوشته سلاح در دست دشمنان است اما به فرمان مومنان کار می کند، در اثر چی؟؟ ((قدرت عقل))

▪ بچه ها یک خبر خوش غرب ناخودآگاه دارد اما قدرت عقل هنوز بلد نیست از آمریکا و اروپا و انگلیس کشور های متفاوت... برای ما بحث ناخودآگاه آوردند اما هنوز مبحث قدرت خدا عقل تو با عقل میتوانی به چه نیرویی بررسی

کدام یکی از شما روزی ده دقیقه می نشیند و به قدرت خدا فکر می کند؟

▪ اصلاً کوچکتر، هر کسی که زیاد این این جمله را میگوید خدا با همه حواسش به من هست خدا تا آخر عمرم حواسش به رزق من بوده کسی زیاد این را استفاده بکند دیگر اتفاقاتی مثل تورم و گرانی برایش مسخره می شوند

تو سالیان قبل قحطی می شود می بینند یک غلامی تو قحطی خوشحال است بهش می گویند غلام قحطی است، همه ی امکانات دارد کم می شود تو چقدر خوشحالی هستی، غلام می گوید آخر من یک صاحب دارم، صاحبم یک عالمه گوسفند، یک عالمه رمه، یک عالمه آب، رودخانه، خودش دارد و خودش استفاده می کند من تا وقتی این صاحب را دارم بی نیاز بی نیاز هستم، حق هم دارد این غلام، باید اینجوری فکر کند صاحبی دارد توانمند .

▪ حالا هر کدام ما روزانه پنج، شش تا جمله در مورد اینکه قدرت خدا دارد مرا حمایت می کند قدرت خدا پشتم است دارم با قدرت خدا جلو می روم رزق دهنده من قدرت خدا است این روزی را از دست بابام گرفتم این روزی دهنده من خالقم بود، حالا کنارش به وسیله بابام رسید بابام هم نبود یک کس دیگر، همسر من این لطف را کرد همسرم کیلویی چند است؟؟ خالق من رزق دهنده من است و خالق من از زمین و آسمان برای من می بارد اصلاً کسی که این مدلی جمله هایش را می گوید دقیقاً مثل همان غلامی که تکیه می کند به قدرت خالقش، حالا با جملات و تکرار های خودش ناخودآگاهش را قدرتمند میکند چون این جملات در راستای قدرت خدا است، قدرت ناخودآگاه چند برابر قدرتمند میشود، قدرت در قدرت ضرب می شود عقل،

▪ بعد خدا تو قرآن می گوید کافران کر و کور و لال هستند چون فکر نمی کنند چون عقل ندارند چون به خدا و قدرت خدا تفکر نمی کنند و این پیامی است که ۱۴۰۰ سال قبل پیغمبر ما برای ما آورد جانم پیامبر دوست داشتی، بعد ما می بینیم حضرت ابراهیم با قدرت عقل، از بس فکر کرده به قدرت خدا، تو آتش انداختنش، جبرائیل می آید به حضرت ابراهیم می گوید کمک نمی خواهی!! تو آن شرایط کمک نمی خواهی!! و حضرت ابراهیم می گویند صاحبم خودش حواسش است، صاحبم خودش مرا میداند، صاحبم خودش کمک می کند، بابا ابراهیم، تو دیگر چه قدرتی دهنی داری! تو دیگر چه عقلی داری! بعد محصول چه میشود آتش بر او گلستان می شود

▪ چه کسی آتش را بر ابراهیم گلستان کرد؟ ((عقلش عقلش عقلش))

مبحث ناخودآگاه؛ می گوید سه معلم معمولی، آمدن به این ها گفتند که ما پارسال بین تمام معلم ها گشتیم دیدیم شما سه تا از همه بهتر تدریس کردید به خاطر همین می خواهیم امتیاز به شما بدهیم ۳ تا کلاس نخبه، ۳ کلاس نخبه را تحویل می دهند، محصول بعد از یک سال، تمام این سه تا کلاس بالاترین امتیازات تو کل کشور، بعد معلم ها را صدا می کنند می گویند که، همین این که کلاس ها کلاس معمولی بود، هم خنگ توش داشت، ما قرعه کشی کردیم به خاطر این آزمایش، هم شما سه تا معلم معمولی هستید

■ چرا نتیجه شد سه تا کلاس نخبه در کشور؟ چرا؟؟ باور، قدرت ناخودآگاه، از بس معلمها دارند تکرار به خودشان می کنند من یک معلم استثنایی هستم من یک معلم نابغه هستم و دارد به شاگرد هایش چه جوری فکر می کند؟ این نابغه است، این نابغه است، به شاگرد می گوید بیا پای تخته سوال بنویس میاد جواب بلد نیست بنویسد سوال را نمی داند بعد می رود می نشیند معلم می گوید آخی تو ذهنش، طفلکی دیشب بیدار مانده خوب اینکه نابغه است حالا لزومی ندارد جواب را بلد است بعد در اثر قدرت باورش، قدرت ناخودآگاهش، ناخودآگاه مثبتش، محصول چه شده؟ سه کلاس استثنایی در جهان، این شد قدرت ناخودآگاه، مثبت ناخودآگاه

■ حالا قدرت عقل، حضرت عیسی روی آب را می رفتند حضرت عیسی کور مادر زاد بینا میگرد حضرت عیسی مرده زنده می کرد، این را می فهمی؟

■ می فهمی عقل چه قدرتی درون تو است؟ تو روایات داریم قبل از ظهور عقل هر مرد ۴۰ برابر می شود چرا؟ از بس می تواند با قدرت ناخودآگاهش و فکر کردن به قدرت خدا و فکر به قدرت خدا و فکر به قدرت خدا، قدرت عقلش را ببرد بالا. یکی از تمرین های نقشه گنج نان است بشین هی به قدرت خدا فکر کن، چه کسی مرا در رحم مادرم پرورش داده؟ مگر قدرتی جز او هست؟

■ بچه ها به قدرت خدا زیاد فکر کنیم عقلمان بیشتر میشود و برعکس، هر چی به قدرت آدمها، موثر بودن آدمها، نگاه بکنیم جهل مان بیشتر می شود، جهل را انشاءالله هفته آینده توضیح میدهم شعر را گوش بدهید.

#وایس_شعر

تکرار هات قدرت میگیرن

تو زندگیت جاری میشن

خوشبختی و بدبختیت را می سازن

کهدف الحصین کمکم باش با تکرار های مثبتم

زیبایی دینم باشم

الگوی فامیل و دنیا بشم

#جلسه_دهم

#قانون_ناخودآگاه

#ویس_متن

حواست رو جمع کن ، قدرتمندترین قدرت دست خودته ، ذهن تو مرکز استجابات دعاست ، که ابراهیم میتونه درون آتش با آرامش ذهن و حمایت خالقش آتش رو بر خودش گلستان کنه ، ببین تو چه قدرتی داری !!

- هزار و چهارصد سال قبل خدا به پیامبرش وحی کرد که کافر ، کور ، کر و لال میشه چون عقل نمیکنه ، چون تفکرش را به قدرت خدا نگه نمیداره ، چون اندیشه اش رو بر اثر دلبستگی به دنیا و فکر به دنیا فاسد کرده و ثروت عقلش را استفاده نکرده.

- ما امروز باید بر اثر مبحث ناخودآگاه که از غرب اومده شروع کنیم با نگه داشتن اندیشه بر مثبتها ، نیروی درونمون رو بیشتر کنیم !؟

که در زندگی هر چه بدست میاریم از قدرت و باور تکرارهای خوب در درون ماست و این امپراتوری آینده در واقع قدرت ذهن یا عقل بیشتر در هر کسی هست !؟

چرا خودمان همت تفکر قدرتمند بر مثبتها رو حفظ نکردیم که الان با مبحث غرب و ناخودآگاه بخوایم عاقلتر بشیم !؟

- در غرب با آزمایش دهکده چهل سالگی و اثرات اون که روی هشتاد ساله ها اتفاق افتاد * آرتروز پا کم شد ، کچلها مو در آوردند ، چین و چروک پوستشان بر طرف شد ، دندان در آوردند * با نگه داشتن ذهن در چهل سالگی بتوانند قدرت مغز را به رخ بکشند !!

- ما در جنگ تحمیلی داریم که شهید محسن وزوایی سوره فیل رو میخونه و با قدرت ذهن و عقلی که با قدرت خدا محکمش کرده ، یکهو هواپیمای دشمن دوتا تانک خودشون را میزند و با هواپیمای خودشون برخورد میکند و ما در عملیات پیروز میشویم.

- ما در علائم ظهور میخونیم که صلاح دشمن به دستور مومنان کار میکنه

- جااانم قدرت عمل ، با عقلش و تفکر زیاد به قدرت خدا ، موشک و هواپیما دست دشمن هست ، ولی وقتی مومن بهش میگه به خودتون شلیک کن ، میکنه ، که اثر کمی از اون رو در خوندن سوره فیل شهید وزوایی میبینیم.

- پس تعجب نکن که با قدرت ذهن در هیپنوتیزم با گذاشتن یخ بر روی پیشانی و دادن تلقین که مس گذاخته هست ، هشتاد درصد پیشانی ها تاول میزنند.
- تازه تو با قدرت ذهن و عقلی که با خدا محکم شده ، میتونی مثل حضرت مسیح نا بینا رو بینا کنی و مرده رو زنده کنی.
- قدرت ذهن تو میتونه از سه تا معلم و سه تا کلاس معمولی تو دنیا کلاس ممتاز بسازه.
- این فقط قدرت ذهن بر مثبتهاست ، حالا ببین این قدرت ذهن همراه با قدرت خدا چه میکنه!؟
- وقتی خانومی که هشت میلیون به همسرش میده و با تلقین صد برابر برمیگرده....، نصف یک ملک یک میلیارد ششصدی رو دریافت میکنه ، یعنی دقیقا هشتصد میلیون تومان و ده برابر هشت میلیون که داده ! -پس مراقب باش ، ذهنت رو بر هر چیزی که نگره داری قدرت نمایی میکنه و بر مثبت و قدرت خدا عقلت رو بیشتر میکنه که خدا چیزی برتر از عقل بر بندگانش تقسیم نکرده.
- تو باید خیلی حواست به ذهنت و آنچه در درونت میگذرد باشه ، نمیخواد حواست به آدمها و اطرافت باشه.
- وقتی حضرت علی علیه السلام میفرمایند ؛ بلا نتیجه فکر و منطق شماست.
- یعنی تو هر چی در ناخودآگاهت میسازی همون برات میشه.
- پس مراقب باش ، تو ذهنت به بدبختی ، کمی مال یا فشار فکر نکنی !! به قدرت خدا فکر کن.
- خدا به حضرت داوود میگن به بندهام بگو ؛ هر کسی که با احم بیدار بشه به جنگ با من برخواسته ، چون بیداری با احم یعنی داشتن افکار منفی !! اینها در ذهن قدرت پیدا میکنن ، مخصوصا جمله ها و اندیشه های اول صبح قدرتشون خیلی بیشتره.
- لطفا صبح که از خواب پا شدی بگو ؛ آخ جووون ، این اولین لحظه از آینده هیجان انگیز من هست.
- لطفا با بزرگنمایی خوبها و نگه داشتن ذهنت بر قدرت خدا چیزهای خوب زندگیت رو بیشتر کن.
- بیا جزو آنهایی نباشیم که حضرت زهرا سلام الله علیها از اونها شکایت کرد که اگه جامعه علی علیه السلام به بی دینی رسید و حاکم ظالم به اونها حکومت کرد برای این بود که مردم اون چیزی رو که نباید میگفتند رو گفتند و بزرگ کردند و اون چیزی رو که باید میگفتند رو کوچیک میکردند و نمیگفتند.

- عزیز من ببین ، طاهای پنج ساله تونست با بزرگنمایی یه برچسب عینک دودی در عرض سه ساعت یه عینک واقعی دریافت کنه و تو با بزرگنمایی از نداشته هات هی صفات خوب و نعمتاتو از دست بدی و هی جاهل تر بشی!؟

و با دنیا دوستی ، عقالت و قدرت درونت رو فاسد کنی!؟

- قبل ظهور عقل هر مرد چهل برابر میشه ، در زمان حضرت مهدی عجل الله انسانها تا پانصد سال جوان هستند ، چون از نیروی ذهن و عقل کامل استفاده میکنند.

- پس بیا و شروع کن ، زیاد به مثبتها و قدرت خدا فکر کن ، مثبتها و قدرت خدا رو زیاد در ذهنت نگه دار ، منفیها رو بیرون بینداز و بگو تو واقعی نیستی ، حس لذت خلق کن ، به خودت بگو تو مثل یه خانوم رئیس جمهور یا آقای سیاستمدار ارزشمند هستی و تک تک حرکات خودتو جدی و در معرض دید حساب کن.

- هر حرکتت ، نگاهت ، فکرت ، کلامت ، قدرتمند میشه و اول ؛ به خودت برمیگرده. دوم ؛ جهانت رو تغییر میده. سوم ؛ خدا ، ملائک ، امامت و تمام ذرات دنیا شاهدت هستند. پس خودت را جدی حساب کن ، چون تا زمانی که براب خودت ارزش قائل نباشی و وجود خودت را دوست نداشته باشی از پس هیچ کاری به خوبی برنمیای. تو قدرت شگفت انگیز هستی ، این تو هستی که با تکرارهاات رو جهان اثر میگذاری ، پس لطفاً سریعتر حرکت کن. امام خمینی رحمت الله این را دلیل قدرتشان گفتند ؛ نمیتونم ، نمیزارن ، همیشه را از ذهنم دور انداختم ، پس همیشه ، میتونم و میزارن. - نزار خارجیا و غربیها بیان و به ما یاد بدن بزرگترین کشف تاریخ اینه که آدم با تغییر فکرش میتونه آینده اش رو تغییر بده ، تو با نگه داشتن ذهن بر نیروی خدا و افزایش عقل جهان غرب رو مدیریت کن. - در آیه ده سوره مبارکه ملک دوزخیان میگن ؛ اگر ما گوش شنوا داشتیم و عقل میکردیم در دوزخ نبودیم پس سریعتر ذهنت رو با قدرت کن فیکون خالقت پر کن و با عقل قدرتمندت دنیای عجیب کسب کن که با اون به غربیها آموزش قدرت بدی و تفکر کوچک غربیها رو برایشون بزرگ کنی

#ویس_تلقین

اصلاً مهم نیست چکار کردی ، اصلاً مهم نیست کم کاری هات چیا بوده؟! اصلاً مهم نیست چه گناهایی داری ، مهم اینه تو استحقاق خوشبخت شدن داری، مهم اینه تو لیاقت به بیشترین ها رسیدن رو داری ، و برای رسیدن به این بیشترین ها باید بتونی امیر به تکرار های ناخودآگاهت بشی ، هرچی به تکرارهای ناخودآگاهت مسلط تر ، خوشبختیت بیشتر، تو نمی تونی بی خیال ناخودآگاهت بشی ، این قدرت تو وجود تو داره کار میکنه ، کنترلت کنی به نفع تو کار میکنه بی خیالش بشی به ضرر تو کار میکنه. تکرارهاات منفی باشن بر علیه تو ، تکرارهاات مثبت باشن به نفع تو ، پس باید بتونی تکرارهاات رو بدست بگیری . بله ناخودآگاه یه غول بزرگه ، بله ناخودآگاه فوق العاده، فوق العاده، فوق العاده غیر آسونه کنترل کردنش ، ولی چون غیر آسونه همیشه بی خیالش شد ، باید شروع کرد ، هرکی زودتر روی زمین شروع کرده مغزش رو کنترل بکنه ناخودآگاهش رو کنترل بکنه الان موفق تره ، تو که نمیخای وایستی بقیه

ناخودآگاهشون رو کنترل کنن از تو جلو بززن ، پس حالا که نمیخای وایستی، پس حالا که میخای خودت شروع کننده باشی تکرار هات رو بدست بگیر، نقشه گنجی که میخای کار کنی کنترل تکرار های تو ، همش توی طول روز نیم ساعت دارم کنترلش میکنم، درسته که غیر آسونه، درسته که نفس بهم حمله میکنه ، درسته که همه جهان میان با اتفاقاتی که میوفته که نگذارن من این تکرار هام رو مسلط شم ، درسته که شیطون همه زورش رو میزنه ، اما من دارم به چشم میبینم، به چشم میبینم روانشناسای غربی فقط داره از قدرت تکرار استفاده میکنه ، آنتونی رابینز فقط با قدرت تکرار ذهن خودش تونست در عرض سه سال خونه ای بخری که یک طرفش دریا باشه یک طرفش کوهستان ، خونه هکتاری بخره، چرا من باید این قدرت رو به خاطر اینکه نفسم میگه ولش کن ، نمیخاد کار انجام بدی ، بی خیال ، اینا فایده نداره ، چرا باید این قدرت رو از خودم بگیرم ، من همه وجودم رو بکار میبندم تونستم بیست دقیقه امیر بشم به خودم الان میکنمش نیم ساعت ، تازه این نیم ساعت حداقلشه تلاشمو میکنم خودم توی طول روز تکرار هام رو قوی تر کنم ، آخه کدوم آدم عاقلی میداند که میشود مثل حضرت ابراهیم آتش بر او گلستان شود ، بعد تلاش نکنه روی عقل و ناخودآگاهش کار کنه؟ من این همه دوست دارم به بچه ام بگم مامان جان درست رو بخون این همه دغدغه رشد دیگران رو دارم، خودم و رشد خودم که از بقیه مهمتره، من از بس خودم رو دوست دارم نگاه نمی کنم که بیست و سه ساعت ذهنم درگیره، نگاه نمیکنم که اکثر ذهنم همیشه کنترلش کنم ، نگاه می کنم به اینکه میتونم این نیم ساعت رو کنترل کنم ، نگاه میکنم به اینکه میتونم نیم ساعت از پس خودم بر پیام نقشه گنج رو کامل کار کنم ، آخه وقتی شهید وزوایی بتونه با قدرت ناخودآگاه و عقلش سوره فیل بخونه هواپیماهای دشمن خودشون رو بززن و تار و مار بشن ، من چرا از این قدرت توی زندگی استفاده نکنم، فعلن زور ناخودآگاهم زیاده؟ فعلن ناخودآگاه منفی ام زیاد کار میکنه؟ مهم نیست ، مهم اینه که من بتونم توی این نیم ساعت امیر بشم به خودم. اینا رو بامن تکرار کنید: من عاشق خودمم، من حقمه زندگی عالی تر ، من حقمه به همه چیزهایی که میخام برسم ، من حقمه از غربی ها جلو برنم ، من حقمه دین اسلام رو توی جهان و حکومت اسلامی ناب رو برای اولین بار توی جهان برپا کنم ، من حقمه الگوی فامیل باشم ، باید واسه همه اینا به تکرارهای ناخودآگاهم امیر بشم ، پس این نیم ساعت نقشه گنج هیچ کاری برای من نداره ، اصلاً میزان منفی هایی که تولید کردم مهم نیست ، اصلن میزان حجم سرزنش و ناراحتی که الان از دست خودم دارم مهم نیست ، مهم اینه الان این نیم ساعت رو بتونم کنترل کنم . آقاییون اول دنیا وقتی یه برنامه تکرار برای خودشون می نوشتند تلاش میکردند توی اوج خستگی ، نا امیددی برنامه رو انجام بدن ، همین میشد گل طلایی دقیقه نود . من شروع کردم به لطف خدا دارم حرکت میکنم خدایا تمام جهانت رو بسیج کن کمک من کنن ، خدایا یاریم کن بتونم از پس وجود خودم بر پیام من میخام به اوضاع مالی برسم که جیب همه اطرافیانم رو پر کنم ، من میخام اینقدر داشته باشم که به همه آدم های دنیا بدم و حقمه پس پله اول امیر شدن به تکرارهای ناخودآگاهم . فرشته های محافظم، تمام سلول های جهان اطرافم یاریم کنید بتونم به خودم مسلط شم. خدایا از اینکه دارمت واقعاً متشکر.